

سَلَامُ اللّٰهِ عَلَيْهَا
نور فاطمہ زہرا



کتاب خانہ دیجیٹل
www.noorfatemah.org



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الگوی کمالات بانوان

نویسنده:

عبد الکریم بی آزار شیرازی

ناشر چاپی:

دفتر نشر فرهنگ اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	الگوی کمالات بانوان
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۶	الگوی کمالات بانوان
۶	اشاره
۷	صفات کمال زن در قرآن
۸	فاطمه و حوا، نمونه‌ی تائبات
۸	کوه صفا و مروء
۸	فاطمه و هاجر، نمونه‌ی سائحات
۹	اشاره
۹	حضرت ابراهیم و هاجر، نمونه‌ی سائحات و سائحات
۹	هجرت و سفرهای فاطمه
۹	فاطمه و یوکابد، نمونه‌ی مسلمات
۱۰	فاطمه و عابده، نمونه‌ی شهامت و درایت
۱۱	فاطمه و آسیه، نمونه‌ی مؤمنات
۱۱	اشاره
۱۱	فاطمه، نمونه‌ی ایمان و وقار
۱۲	فاطمه و همسر زکریا، نمونه‌ی صالحات و خاشعات
۱۲	فاطمه و همسر عمران، نمونه‌ی وفای به عهد و نذر
۱۲	پاورقی

الگوی کمالات بانوان

مشخصات کتاب

سرشناسه: بی‌آزار شیرازی عبدالکریم - ۱۳۲۳ عنوان و نام پدیدآور: الگوی کمالات بانوان عبدالکریم بی‌آزار شیرازی مشخصات نشر: تهران دفتر نشر فرهنگ اسلامی ۱۳۷۵. مشخصات ظاهری: ۳۱ ص مصور (رنگی، نقشه (رنگی فروست: (پاره پیامبر (ص ۱) شابک: ۱۵۰۰ ریال؛ ۱۵۰۰ ریال وضعیت فهرست نویسی: فهرست نویسی قبلی یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس موضوع: فاطمه زهرا (س)، ۱۳ قبل از هجرت - ق ۱۱ شناسه افزوده: دفتر نشر فرهنگ اسلامی رده بندی کنگره: BP۲۷/۲ پ ۲، ۱. ش رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۷۳ شماره کتابشناسی ملی: م ۷۵-۸۲۱۶

مقدمه

میلاد پاره‌ی پیامبر در سال ۳۵ عام الفیل یعنی پنج سال قبل از بعثت و بنا به قولی در سال ۴۱ عام الفیل و بنا به روایت امام باقر (ع) پنج سال بعد از بعثت، [۱] خداوند مقدر فرمود که از پیامبر عظیم الشان اسلام (ص) و خدیجه‌ی کبری (س) دختری تولد یابد که الگوی کمالات بانوان در قرآن گردد. شیخ مفید (ره) در روضة‌الواعظین می‌نویسد: چون خدیجه به فاطمه حامله شد حضرت رسول (ص) فرمودند: ای خدیجه، جبرئیل مرا خبر داد که این فرزند دختری است فاطمه نام که وی را نسلی باشد پاکیزه و بابرکت و خجسته. [صفحه ۱۰] و چون ولادتش نزدیک شد، ناگاه چهار زن بر وی ظاهر شدند. یکی از آنان گفت: ما را خدا فرستاده است، ما خواهران توایم. من ساره‌ام و این دیگر مریم و سوم خواهر موسی و چهارم آسیه زن فرعون. فاطمه متولد شد و با پرتو نور خود خانه را منور ساخت. بر آسمان رسالت هلالی از نو تافت به بوستان نبوت گلی زنو بشکفت در روایت آمده است که خداوند دو حوریه از بهشت با تش و ابریقی از آب کوثر به اتاق خدیجه فرستاد. آن زن که در پیش روی خدیجه بود فاطمه را دربر گرفت و با آب کوثر بشست و حوله‌ای سفید و خوشبوی بیرون آورد و او را در آن پیچید و گفت: بگیر- ای خدیجه- این مولود را که خداوند نسل او را برکت دهد. دیگر زنان نیز تهنیت گفتند. خدیجه فاطمه را شاد و خندان بگرفت و رسول اکرم (ص) او را فاطمه نامیدند. و کنیه‌اش ام‌محمد و لقبش راضیه و مرضیه و زکیه و بتول و زهراست. و پیامبر (ص) درباره‌اش فرمودند: «فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي» [۲] (فاطمه پاره‌ای از من است). [صفحه ۱۱]

الگوی کمالات بانوان

اشاره

فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي فاطمه پاره‌ای از من است. از آنجا که الفاظ به تنهایی نمی‌تواند بیانگر عمق و گستردگی کمالات و مفاهیمعالیه‌ی آنها باشد، قرآن به ذکر خصال و صفات کمال اکتفا نکرده بلکه هر یک از پیامبران را نمونه و الگوی کمال یا کمالاتی قرار داده و پیامبر اکرم (ص) را اسوه‌ی کامل و جامع‌الکلم کمالات معرفی کرده است: لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ... [۷]. در مورد بانوان نیز تنها به ذکر خصال و کمالات زن بسنده نکرده بلکه [صفحه ۱۲] نمونه‌هایی از زنان باکمال را در طول تاریخ در کنار پیامبران به عنوان الگو معرفی کرده است. قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ... [۶]. ابراهیم و کسانی که با او بودند (سارا و هاجر و...) الگوی نیکویی برای شما هستند... در میان این الگوها، جامع‌ترین آنها حضرت مریم (ع) و کامل‌ترینشان حضرت فاطمه‌ی زهرا (س) هستند. به تعبیر امام خمینی رضوان‌الله‌علیه: «تمام ابعاد که برای زن و برای یک انسان متصور است در

فاطمه زهرا سلام الله علیها جلوه کرده است. او یک زن معمولی نبوده است: یک زن روحانی، یک زن ملکوتی، یک انسان به تمام معنی انسان، تمام نسخه‌ی انسانیت، تمام حقیقت زن، تمام حقیقت انسان. او زن معمولی نیست؛ او موجود ملکوتی است که در عالم به صورت انسان ظاهر شده است، بلکه موجود الهی جبروتی در صورت یک زن ظاهر شده است. [۷]. هر چه به خوبان جهان داده‌اند قسم تو نیکوتر از آن داده‌اند هر چه بنازند بدان دلبران جمله تو را هست و زیادت بر آن در قرآن هفده صفت کمال برای بانوان ذکر شده و جالب اینکه به هفده زن با کمال نیز به عنوان الگو اشاره شده است، و همان‌طور که پیامبر اکرم (ص) جامع کمالات مردان و جامع الکلم پیامبران بودند فاطمه‌ی زهرا (س) که بر اساس روایات شیعه و سنی پاره‌ی تن پیامبر (ص) بود (فاطمه بَضْعَةُ مَنَى) [۶] نیز جامع [صفحه ۱۳] کمالات زن و جامع الکلم کمالات هفده زن نمونه‌ی قرآن است. هدف این کتاب، بیشتر پرداختن به کمالات فاطمه‌ی زهرا (س) و مقایسه‌ی آن با هفده زن نمونه‌ی قرآن است. افسوس که ما در شناخت این الگوها و اسوه‌های حسنه، بخصوص در مورد فاطمه‌ی زهرا (س)، کوتاهی کرده‌ایم و به قول شهید مطهری: «ما شیعیان باید اعتراف کنیم که بیش از دیگران درباره‌ی این خاندان ظلم و لاف کوتاهی کرده‌ایم. اساساً کوتاهی ما ظلم است. ما نخواسته‌ایم و یا نتوانسته‌ایم آنان را بشناسیم. بیشترین مساعی ما درباره‌ی تنصیصات رسول اکرم (ص) درباره‌ی آنان و سب و شتم کسانی که این نصوص را نادیده گرفته‌اند بوده است نه درباره‌ی شخصیت عینی آنان. غافل از اینکه این مشکی که عطار الهی بحق معرفت خود بوی دلاویزی دارد و بیش از هر چیز لازم است مشامها را با این بوی خوش آشنا کرد؛ یعنی باید آشنا بود و آشنا کرد. معرفی عطار الهی به این منظور بوده که مردم با بوی خوش آن آشنا شوند نه اینکه به گفته‌ی عطار قناعت ورزند و تمام وقت خویش را صرف بحث در معرفی وی کنند نه آشنایی با او» [۷]. در این کتاب سعی شده است که از کتابهای معتبر و تحقیقی و دست اول استفاده شود و از استناد به کتابهایی که کارشان فقط جمع‌آوری روایات بدون تحقیق است و همچنین کتابهایی که روایات آنها مرسل و بی‌سند است و یا کتابهایی که بر خلاف واقع منسوب به شخصیت‌های بزرگ است خودداری کرده‌ایم.

صفات کمال زن در قرآن

در سوره‌های نساء (آیه‌ی ۳۵)، احزاب (آیه‌ی ۳۵) و تحریم (آیه‌ی ۵) صفات کمال زن چنین ذکر شده است: [صفحه ۱۴] ۱. تسلیم در برابر فرمان خدا: مسلمات - تحریم / ۲. ایمان به خدا و آخرت: مؤمنات - تحریم / ۳. طاعت، نماز، طول قیام، دعا و سکوت: قانتات - تحریم / ۴. توبه و بازگشت به خدا: ثابتات - تحریم / ۵. عبادت: عابدات - تحریم / ۶. رهسپار راه خدا: سائحات - تحریم / ۷. صالحه و نیکخو بودن: صالحات - نساء / ۸. اطاعت از شوهر: قانتات - نساء / ۹. پاکدامنی و حفظ خویشتن و مال همسر: حافظات للغیب بما حفظ الله نساء / ۱۰. نیکوکاری: والمحسنات - احزاب / ۱۱. صداقت و راستی: والصادقات - احزاب / ۱۲. صبر و بردباری: والصابرات - احزاب / ۱۳. خشوع: والخاصعات - احزاب / ۱۴. دستگیری از نیازمندان: والمتصدقات - احزاب / ۱۵. روزه‌داری: والصابرات - احزاب / ۱۶. ذکر و یاد خدا: والذاکرات - احزاب / ۱۷. مهمانداری: وامراته قائمه - هود / ۱۸. اَعِدَّا لِلَّهِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرًا عَظِيمًا جالب اینکه در برابر این هفده صفت کمال، هفده زن با کمال به عنوان نمونه ارائه شده است که در این سری از نظر می‌گذارید. آیه‌ی ۳۵ سوره‌ی احزاب در پاسخ اسماء بنت عمیس، همسر جعفر بن ابی طالب نازل شده که به هنگام بازگشت از حبشه، از پیامبر اکرم (ص) پرسید که چرا قرآن زنان را به چیزی نگرفته است. [۸]. در این آیه تصریح شده که خداوند، هم برای مردان و هم برای بانوان با کمال، مغفرت و پاداش عظیمی مهیا کرده است (أَعِدَّا لِلَّهِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرًا عَظِيمًا). [صفحه ۱۵] إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعِدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا (احزاب / ۳۵). مردان مسلمان و زنان مسلمان مردان با ایمان و

زنان با ایمان مردان فروتن و فرمانبردار و زنان فروتن و فرمانبردار مردان راست گفتار و زنان راست گفتار مردان شکیبا و زنان شکیبا مردان متواضع و خداترس و زنان متواضع و خداترس مردان صدقه‌دهنده و زنان صدقه‌دهنده مردان روزه‌دار و زنان روزه‌دار مردان پاکدامن و زنان پاکدامن مردانی که همواره به یاد خدا هستند و زنانی که همواره به یاد خدا هستند. خداوند برایشان آماده کرده است آمرزش گناهان و پاداش بزرگ در بهشت جاوید. [صفحه ۱۶] اکنون نمونه‌ها و الگوهای بانوان با کمال و اجر و پاداشی را که خداوند برایشان مقرر داشته است در قرآن می‌نگریم:

فاطمه و حوا، نمونه‌ی تأبّات

حوا اولین زنی بود که فریب وسوسه‌های شیطان را خورد ولی به زودی متوجه اشتباه خود شد و به جای ادامه‌ی راه شیطان، همراه با همسرش به سوی خدا بازگشت و مؤدّبانه به گناه خود اعتراف کرد و خاشعانه اظهار داشت: رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ [۹]. پروردگارا، ما به خویشتن ستم کردیم و اگر تو ما را نبخشی و مورد رحمت قرار ندهی از زیانکاران خواهیم بود. آنگاه حوا و همسرش از جبرئیل آموختند که چگونه طی مراسم حج به سوی خدا بازگشت کنند و بار دیگر به بهشت که «مُنی» و آرزوی آنها بود بازگردند. اما فاطمه‌ی زهرا سلام علیها نمونه‌ی کامل‌تری از تأبّات در اسلام است که چون کم‌اعتنایی پدر را به جهت نصب پرده‌ی جالبی احساس می‌کند، بی‌درنگ پرده را برمی‌دارد و آن را همراه با زیوری که داشته است برای پدر می‌فرستد تا در راه خدا صدقه دهند. در کتابهای اهل سنت نیز فاطمه‌ی زهرا (س) قدوه‌ی حسنه و نمونه‌ی اعلای زهد نسبت به کالاهای زندگی دنیوی است و به عنوان نمونه روایت می‌کنند که پیامبر اکرم (ص) بر فاطمه (س) وارد شدند در حالی که به گردن آن حضرت گردن‌بند طلا آویزان بود. فاطمه (س) اظهار داشت: این گردن‌بند را ابوالحسن به من هدیه کرده است. پیامبر (ص) فرمودند: آیا دوست داری که مردم بگویند این فاطمه دختر [صفحه ۱۷] محمد است و بر گردنش زنجیری از آتش است؟! آنگاه از منزل خارج شدند. فاطمه (س) با آن گردن‌بند، برده‌ای را خرید و آزاد کرد. پیغمبر اکرم (ص) چون مطلع شدند فرمودند: سپاس خدای را که فاطمه را از آتش نجات داد. [۱۰]. علامه اربلی از کتاب الآل ابن خالویه از پیغمبر اکرم (ص) روایت می‌کند که فرمودند: «چون خداوند آدم و حوا را بیافرید، آدم به حوا اظهار داشت: خداوند موجودی نیکوتر از ما نیافریده است. خداوند به جبرئیل وحی کرد که این دو بنده‌ی مرا به فردوس اعلی بر. چون آن دو وارد فردوس شدند، زن جوانی را دیدند که بر فرش زیبایی از فرشهای بهشتی نشسته و تاجی از نور بر سر دارد و بر دو گوشش دو گوشواره‌ی نور آویزان است و از پرتو نور چهره‌اش بهشت تابناک است. آدم از جبرئیل پرسید: این بانو که از نور صورتش بهشت می‌درخشد کیست؟ جبرئیل پاسخ داد: این فاطمه دختر پیامبر از فرزندان توس است که در آخر الزمان خواهد آمد. آدم پرسید: این تاجی که بر سر دارد چیست؟ گفت: این شوهر وی علی بن ابی طالب (ع) است. پرسید: این دو گوشواره‌ی درخشان در گوشهای وی چیست؟ پاسخ داد: دو فرزندش حسن و حسین اند.» [۱۱]. [صفحه ۱۸]

کوه صفا و مروّه

إِنَّ الصَّفاَ وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ... (بقره/ ۱۵۸) کوهی که حوا برای توبه و بازگشت به خدا در کنار خانه‌ی خدا بر آن فرود آمده بود به مناسبت حوا که «مرثه» بود «مروه» و کوه مقابل آن چون آدم صفی الله بر آن فرود آمده بود «کوه صفا» نامیده شد (تفسیر البرهان، ج ۲، ص ۸۶). [صفحه ۱۹]

فاطمه و هاجر، نمونه‌ی سائحات

اشاره

(بانوان مهاجر و سیاح در راه خدا) از نظر علامه طباطبائی، «سائحون» [۱۲] کسانی هستند که با پاهای خود از مسجدی به مسجدی و از معبدی به معبد دیگر سیر می کنند و با بدنهای خود برای خدا به رکوع و سجود می روند. [۱۳]. از نظر طبرسی، «سائح» و «سیاح» به کسانی گفته می شود که در زمین سیر می کنند و از آثار گذشتگان عبرت می گیرند. [۱۴] همچنین گفته اند منظور طلاب علوم هستند که برای کسب علم و دانش سفر می کنند. [۱۵]. برخی گفته اند «سائحان» به معنای مهاجرت یعنی زنان مهاجر است. [۱۶]. [صفحه ۲۰]

حضرت ابراهیم و هاجر، نمونه‌ی سائحان و سائحات

هاجر همسر حضرت ابراهیم (ع) نمونه‌ی سائحان بود که از مصر به قدس و از قدس به مکه مهاجرت کرد، همچنانکه شوهرش حضرت ابراهیم (ع) از «اور» بابل به کوفه و از کوفه به کربلا و از کربلا به مسجد قدس و از مسجد قدس به مکه مهاجرت کرد و اظهار داشت: «إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَى رَبِّي» [۱۷] (من به سوی پروردگارم مهاجرت می کنم) و از این رو حضرت ابراهیم را «عابر» و خانواده اش را «عبرانیان» و همسرش را «هاجر» لقب داده اند. هاجر با ایمانی استوار همراه با همسرش حضرت ابراهیم به سوی خدا [صفحه ۲۱] مهاجرت کرد و چون به مکه رسید، حاضر شد در راه خدا رنج دوری از شوهر و خانه و کاشانه را تحمل کند و در عین توکل به خدا، در جستجوی آب برای رفع تشنگی فرزندش اسماعیل به سعی میان دو کوه صفا و مروه پرداخت و شهید زنده‌ای را در دامن خود پرورش داد که حاضر شد خود را در راه خدا قربانی کند و خداوند در مقابل، خانه و دامن این مادر شهیدپرور را به خانه‌ی خود پیوست و آن را جزء طواف قرار داد، بطوریکه طواف بر گرد خانه‌ی خدا بدون حجر اسماعیل (دامن پرورش دهنده‌ی اسماعیل) قبول نیست. [۱۸].

هجرت و سفرهای فاطمه

بعد از اینکه پیامبر اکرم (ص) به مدینه هجرت کردند و زمام امور را به دست گرفتند، حضرت زهرا (س) با ام کلثوم همراه عباس بن عبدالمطلب بنا به نقل ابن هشام [۱۹] و همراه علی بن ابی طالب (ع) بنا به نقل یعقوبی عازم هجرت به مدینه شدند. گفته می شود در اثنای راه، حُوِیْرْت بن نقید که از دشمنان پیامبر اکرم (ص) بود، به شتر حامل فاطمه (س) آسیبی می رساند و شتر می رمد و فاطمه (س) و ام کلثوم بر زمین می افتد. [۲۰]. در جنگ احد وقتی خبر مجروح شدن پیامبر اکرم (ص) به فاطمه‌ی زهرا (س) می رسد، او و دسته‌ای از زنان به جبهه می روند و مجروحان را آب می دهند و زخمهای آنها را می بندند و فاطمه (س) جراحت پدر را شستشو می دهد و چون از شهادت حمزه عموی پدر باخبر می شود، سخت می گرید و هر دو سه روز خود را به احد می رساند و بر مزار حمزه و سایر شهدا می گرید و آنان را دعا می کند. [۲۱]. [صفحه ۲۲] هجرت فاطمه‌ی زهرا (س) از مکه به مدینه و سفر از مدینه به مکه در حَجَّةُ الْوِدَاع [۲۲] و همراهی با پدر در جنگها برای پرستاری از مجروحان جنگ در پشت جبهه، [۲۳] همه الگوهایی برای بانوان است. مسجد فاطمه (س) در مدینه در میان مساجد سبعه یادگار مهاجرتها و سیاحتهای آن بانوی عظیم الشان در راه خداست. [۲۴]. [صفحه ۲۴]

فاطمه و یوکابد، نمونه‌ی مسلمات

مرحله‌ی عالی مفهوم مسلمین و مسلمات، تسلیم بودن در برابر فرمان خدا و تسلیم جان در برابر اوست، چنانکه مهمترین دعای

حضرت ابراهیم و خاندانش این بود که: «رَبَّنَا تَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ» (خدایا ما را مسلمان بمیران). یوکابد، مادر حضرت موسی (ع)، نمونه‌ی تسلیم در برابر فرمان خدا بود، تا جایی که حاضر شد نوزادش را که از جان شیرین بیشتر دوستش می‌داشت به فرمان خدا در صندوقچه‌ای بگذارد و به رود نیل بسپارد. إِذْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّكَ مَا يُوحَىٰ أَنْ أَقْذِفِيهِ فِي التَّابُوتِ فَاقْذِفِيهِ فِي الْيَمِّ... [۲۵]. [صفحه ۲۶]

آنگاه که وحی کردیم به مادرت آنچه وحی شد که آن را در صندوقچه بگذار و به رود نیل بسپار... خداوند به پاداش این تسلیم و فرمانبرداری، فرزندش را به وی باز می‌گرداند: ... فَزَجَعْنَاكَ إِلَىٰ أُمِّكَ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ... [۲۶]. ... پس ما باز گرداندیمت به مادرت تا روشن شود چشمش و اندوهگین نشود قلبش... پرده‌ی شک را برانداز از میان تا ببینی سود کردی یا زیان ما گرفتیم آنچه را انداختی دست حق را دیدی و نشناختی (پروین اعتصامی) فاطمه (س) نیز نمونه و الگوی مسلمات در حد اعلا بود و فرزندش چون حسین (ع) تربیت کرد که جان و عزیزانش را در راه احیای دین خدا تسلیم کرد. علامه‌ی محقق اربلی می‌نویسد: «طبیعت بشری مرگ را کراهت و زندگی را دوست دارد. حتی پیامبران (ع) با همه‌ی شرافت و مکانتی که داشتند، به حیات متمایل و از مرگ متنفر بودند، چنانکه گفته می‌شود حضرت داود وقتی ذریه‌اش به وی عرضه شد چهل سال از عمر خود را به فرزندش بخشید و چون عمرش بسر رسید خوشش نیامد و به جزع پرداخت و گفت هنوز چهل سال از عمر من باقی است. به وی گفتند تو آن را به فرزندت بخشیدی و او انکار کرد. و نوح که عمرش از همه‌ی پیامبران طولانی‌تر بود و در حدود ۹۰۵ سال در این دنیا زندگی کرد، وقتی اجلش رسید از او پرسیدند دنیا را چگونه دیدی؟ گفت مانند خانه‌ی دو دری که از دری وارد و از دری خارج می‌شوند. و روایت شده که حضرت ابراهیم (ع) از خدا خواسته [صفحه ۲۷] بود که او را نمراند تا اینکه خود درخواست کند. و حضرت موسی وقتی با فرشته‌ی مرگ دیدار کرد، سخت ناراحت شد بطوریکه آن فرشته به خدا عرضه داشت: خدایا، مرا به سوی بنده‌ای فرستاده‌ای که مرگ را دوست ندارد. اما فاطمه‌ی زهرا (س) با اینکه جوانی کم سن و سال است و کودکانه‌ی صغیر و شوهری کریم دارد، وقتی پدرش از مرگ خود به او اطلاع می‌دهد گریان می‌شود و به مجرد اینکه پدر او به او می‌گوید تو نخستین کسی هستی که به من ملحق می‌شوی، خندان می‌شود. [۲۷]. این نشان‌دهنده‌ی عظمت روح خداجوی این بانوی جوان است که دیدار با خدا و پیوستن به پیامبر خدا را بر دنیا و شوهر و فرزندان و جوانی ترجیح می‌دهد و نه تنها حاضر است جان خود را به جان آفرین تسلیم کند بلکه بسیار خشنود و خندان و بهترین الگو و نمونه‌ی مسلمات است [۲۸]. و طبیعی است که چنین مادری فرزندش چون امام حسین (ع) تربیت کند که بهترین الگوی تسلیم و مسلمانی بود و حاضر شد جان خود و خانواده‌اش را در راه خدا و اسلام تسلیم کند. به قول اقبال لاهوری: مزرع تسلیم را حاصل بتول مادران را اسوه‌ی کامل بتول [صفحه ۲۸]

فاطمه و عابده، نمونه‌ی شهامت و درایت

إِذْ تَمْشِي أُخْتُكَ فَتَقُولُ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ مَن يَكْفُلُهُ... [۲۹]. آنگاه که (از مادر دور افتادی) خواهرت در جستجوی تو بود (تا تو را نزد فرعونیان یافت و به همسر فرعون) گفت: می‌خواهید کسی را به شما معرفی کنم که عهده‌دار (شیردادن و پرستاری) این کودک گردد؟... خواهر موسی که مریم (عابده) نام داشت، نمونه و الگوی دختر هوشمندی است که مادر او را از پی تابوت فرزندش می‌فرستد و او با هوشیاری تمام صندوق را دنبال می‌کند تا آنجا که از مخفیگاه نیزاری می‌بیند که چگونه فرعون و همسرش آسیه صندوق را از آب می‌گیرند، سپس با تدبیر و شهامتی خود را به قصر می‌رساند و درست به هنگامی که فرعونیان در جستجوی دایه‌ای برای موسی بودند، پیش می‌رود و با لحنی مؤدبانه اظهار می‌دارد: «آیا می‌خواهید خانواده‌ای را به شما معرفی می‌کنم که سرپرستی این کودک را به عهده گیرد؟» و آنان می‌پذیرند و موسی به دست [صفحه ۲۹] فرعون به دامن مادر خود باز می‌گردد. میزان شهادت و درایت این دختر وقتی معلوم می‌شود که در نظر آوریم وی از بنی اسرائیل است که سخت مورد غضب دربار فرعون قرار دارند و او کلامش را آنچنان مؤدبانه و با تدبیر و آرامش اداء می‌کند و بی‌آنکه مورد سوءظن واقع شود برادر خود را از دست

دشمن بازمی‌ستانند، دشمنی که: صد هزاران طفل می‌کشت از برون موسی اندر صدر خانه در درون (مثنوی) فاطمه‌ی زهرا (س) نیز گذشته از اینکه خود الگوی شهامت بود و برای پرستاری از مجروحان به جبهه می‌رفت و با درایت نسبت به دختران اشراف قریش رفتار می‌کرد، دختری چون زینب تربیت کرد که شیر زن کربلا گردید و در مجلس ابن‌زیاد با چنان شهامت و درایتی صحبت کرد که جان برادرزاده‌اش امام زین‌العابدین (ع) را نجات داد [۳۰] و چنان در مجلس یزید سخن گفت که لرزه بر اندام او افتاد. [۳۱]. [صفحه ۳۰]

فاطمه و آسیه، نمونه‌ی مؤمنات

اشاره

وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ [۳۲]. خداوند برای افراد باایمان (آسیه) زن فرعون را مثل می‌زند، آنگاه که (در برابر تهدید فرعون) گفت: پروردگارا، (به جای کاخ فرعون) خانه‌ای نزد خود در بهشت برایم بنا کن و مرا از فرعون و کردارش نجات بخش و از قوم ستمکار برهان. این زن والامقام آنقدر به خدا و آخرت ایمان دارد که حاضر است کاخ فرعون و مقام ملکه‌ی نیل بودن را رها سازد و شدیدترین شکنجه‌ی فرعون را تحمل کند و در عوض به پیشگاه خداوند رود و بهشت او را ندیده خریدار شود. ای مرغ سحر عشق ز پروانه بیاموز کان سوخته را جان شد و آواز نیامد خداوند هم به وی چنان مقامی می‌دهد که نه تنها نمونه و الگوی ایمان برای زنان بلکه نمونه و اسوه‌ی ایمان برای مردان نیز می‌شود (مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا). [صفحه ۳۱]

فاطمه، نمونه‌ی ایمان و وقار

ملاحسین کاشفی مفسر و ادیب و عارف اهل سنت می‌نویسد: «در بعضی کتب آورده‌اند که جماعتی از خواتین قریش بنزد حضرت سید عالم (ص) آمدند و گفتند: اگرچه در ملت از تو بیگانه‌ایم اما در نسبت و قرابت یگانه و در یک شهر هم‌خانه. امروز عروسی داریم و فلاخن را که خویش دوست به فلاخن کس می‌دهیم. دختر خود فاطمه را بفرست تا عروسی ما را تماشا کند و رسم خویشاوندی بجای آرد. حضرت سید عالم (ص) نزد فاطمه (س) آمد و گفت: خاتونان عرب درخواست کرده‌اند که به خانه‌ی ایشان روی و در عقد زنان ایشان حاضر گردی و من قبول کرده‌ام که تو را بفرستم. ... حضرت بتول (س) مقنعه‌ی ساده‌ای بر سر افکند و چادر عصمت پوشیده روان شد. دختران قریش همه چشم نهاده که چون دختر محمد (ص) درآید و لباس و زیور آلات ما را ببیند از رشک آن آب اندوه از دیده‌ی وی روان شود. در این اندیشه بودند که آواز برآمد که اینک فاطمه (س) درآمد. همین که زهرا (س) قدم در آستانه‌ی خانه نهاد، خانه از جمالش روشن شد. فاطمه (س) نه به رسم جاهلیت بلکه به طریق اسلام بر اهل مجلس سلام کرد. کردی سلام و ذوق سلامت به دل رسید وین خانه از سلام تو دارالسلام شد آری، لباس تقوا و نور ایمان آنچنان به فاطمه زهرا (س) عظمت و وقار و شخصیت داده بود که برخلاف انتظار زنان آراسته‌ی قریش، همه تحت تأثیر وی قرار گرفتند و زبانشان بدین کلمات مترنم شد: تو از هر در که بازآیی بدین خوبی و رعنائی دری باشد که از رحمت به روی خلق بگشایی [صفحه ۳۲] جمع کافران از آن مجلس فرار نموده آن صورت را بر سحر حضرت رسالت (ص) حمل کردند و جماعت دیگر که آنجا قرار داشتند، زبان به عذرخواهی گشادند و گفتند حکمی فرمای که ما به امری که سبب خشنودی تو گردد قیام نماییم. از طعامها چه پیش آریم؟ از شربتها کدام مهیا سازیم؟ فاطمه (س) فرمود که خشنودی من به طعام و شراب نیست. گرسنگی صفت من و پدر من است. اگر خشنودی من می‌خواهید، قدم از ظلمتکده‌ی کفر بیرون نهاده به فضای روشنائی‌فزای ایمان آیید و با یگانگی

خدا آشنا شده و از بیگانگی شرک بگریزد. جمعی از آنها که سخن فاطمه (س) را شنیدند و آنچنان کرامتی معاینه دیدند، کلمه‌ی طیبه‌ی «لا اله الا الله» را بر زبان راندند و از یمن قدم فاطمه علیها السلام بدان دولت و سعادت سرمدی رسیدند. «آرام دل و زندگی جان زدم اوست هر جا که نهد پای صفا در قدم اوست» [۳۳]. بنابراین، تنها شیعه نیست که این همه فضایل و کمالات را برای فاطمه زهرا (س) قائل است، علمای راستین تسنن نیز بیشتر از شیعه راجع به فضایل فاطمه سخن گفته‌اند، بلکه تا چند سال پیش و عاظ شیعه بر منابر همین کتاب روضه الشهداء عالم سنی را برای شیعیان می‌خواندند و از این رو به «روضه‌خوان» معروف شدند. [صفحه ۳۳]

فاطمه و همسر زکریا، نمونه‌ی صالحات و خاشعات

... وَ أَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَ رَهَبًا وَ كَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ [۳۴]. ... و ما همسر زکریا را برایش صالح و شایسته گردانیدیم، زیرا آنها در کارهای خیر پیشقدم بودند و ما را با حالت بیم و امید می‌خواندند و همواره در برابر ما خاضع و خاشع بودند. الیزابت خاله‌ی حضرت مریم و همسر حضرت زکریا با اینکه عقیم و نازا بود اما خداوند به خاطر کمالاتی که داشت فرزندی به وی عنایت فرمود به نام یحیی که آنها را از تنهایی نجات داد. و همان‌طور که در قسمت بعد در تفسیر «و يُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا» خواهد آمد، فاطمه‌ی زهرا (س) یکی از بارزترین مصداق آیه‌ی فوق است؛ کسی که نمونه‌ی سبقت در خیرات و امیدواری به خدا و خشوع در برابر او بود. [صفحه ۳۴]

فاطمه و همسر عمران، نمونه‌ی وفای به عهد و نذر

إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي... [۳۵]. آنگاه که همسر عمران اظهار داشت: پروردگارا، آنچه در رحم دارم برای تو نذر می‌کنم که به عنوان خدمتگزار خانه‌ی تو انجام وظیفه کند. این نذر را از من بپذیر... این نذر بیانگر آن است که قلب آنه، همسر عمران، آنچنان سرشار از ایمان و صداقت و اخلاص نسبت به خدا بود که عزیزترین متعلقات خود یعنی فرزندش را برای خدا نذر کرد و چون فرزندش به دنیا آمد، صدق و راستی و وفای به عهد و نذرش را به اثبات رساند و جگر گوشه‌اش را به بیت المقدس هدیه کرد. خداوند نیز به پاداش این صدق و اخلاص، مریم صدیقه را که نذر مادرش بود به نیکویی پذیرفت (فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ) [۳۶] و او را همچون شکوفه‌ای زیبا بخوبی پرورش داد (وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا [صفحه ۳۵] حَسَنًا) [۳۷] و پیامبری چون حضرت زکریا سرپرستی‌اش را عهده‌دار شد و خداوند از روزیهای بهشتی در کنار محرابش برایش مهیا ساخت. فاطمه‌ی زهرا (س) نیز نمونه‌ی صداقت و وفاداری به نذر و عهد با پروردگار بود که درباره‌اش در سوره‌ی «هل اتی» آمده است: «يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَ...» [۳۸]. [صفحه ۳۹]

باورقی

[۱] کشف الغمّه‌ی اربلی، ج ۱، ص ۴۴۹. [۲] روضه الشهداء ملاحسین کاشفی، صص ۱۱۷-۱۱۸. [۳] احزاب / ۲۱. [۴] ممتحنه / ۴. [۵] امام خمینی: ۲۶ / ۲ / ۵۸، صحیفه‌ی نور، ج ۶، ص ۱۸۵. [۶] صحیح بخاری، ک ۶۲، ب ۱۲ و ۱۶ و ۲۹؛ صحیح مسلم، ک ۴۴، ح ۹۳ و ۹۴ و ۹۶؛ سنن ترمذی، ک ۴۶، ب ۶۰؛ مسند احمد بن حنبل، جل ۴، صص ۵ و ۲۲۳ و ۳۲۶ و ۳۲۸ و ۳۳۲؛ فضائل الصحابه، صص ۱۲ و ۱۶ و ۲۹، نکاح ۱۰۹؛ سنن ابن ماجه، نکاح ۵۶. [۷] سیری در نهج البلاغه، استاد شهید مرتضی مطهری، صص ۳۸-۳۹. [۸] رجوع شود به تفسیر ابوالفتوح رازی؛ تصحیح شعرانی، ج ۹، ص ۱۵۵. [۹] اعراف / ۲۳. [۱۰] سنن نسائی، ج ۸، ص ۱۵۸ در الزینة؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۵، ص ۲۷۸؛ مسند ابوداود الطیالسی، ج ۲، ص ۳۵۴؛ المستدرک حاکم، ج ۳، صص ۱۵۲ و ۱۵۳.

ذهبی و حافظ المنذری نیز این روایت را صحیح دانسته‌اند. رجوع شود به الترغیب و التهیب، ج ۱، ص ۵۵۷ «و علموا اولادکم محبة آل بیت النبی»؛ جدّه دارالقبله، دکتر محمد عبده یمانی، ۴۱۱۲ هـ، ص ۹۶. [۱۱] کشف الغمّه فی معرفه الائمه، ج ۱، ص ۴۵۶. [۱۲] توبه/۱۱۲. [۱۳] المیزان، ج ۹، ص ۳۹۶. [۱۴] مجمع البیان، ج ۶، ص ۱۱۸. [۱۵] المیزان، ج ۹، ص ۳۹۶. [۱۶] مجمع البیان، ج ۶، ص ۱۲۴؛ تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر، ج ۴، ص ۳۹۰. [۱۷] عنکبوت/۲۶. [۱۸] تحریر الوسیله امام خمینی، ج ۱، ص ۴۳۳. [۱۹] السیره ابن هشام، ج ۴، ص ۲۹. [۲۰] تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۱. [۲۱] زندگانی فاطمه زهرا (س)، دکتر سید جعفر شهیدی، صص ۴۲ و ۴۳. [۲۲] زندگانی فاطمه زهرا (س)، دکتر سید جعفر شهیدی، صص ۴۲ و ۴۳. [۲۳] تهذیب شیخ طوسی، چاپ بیروت، ج ۵، ص ۴۵۶. [۲۴] سفینه البحار، ج ۱، ص ۱۵۰ و بحار الانوار، ج ۵۹، صص ۱۹۲ و ۱۹۳. درباره‌ی مهاجرتها و سفرهای فاطمه (س) رجوع شود به کتاب اهل البیت نوشته‌ی بنت الشاطی. [۲۵] طه/۳۸ و ۳۹. [۲۶] طه/۴۰. [۲۷] صحیح مسلم، ج ۱۶، ص ۵، باب فضائل فاطمه رضی الله عنها. [۲۸] کشف الغمّه فی معرفه الائمه، ج ۱، صص ۴۵۴ و ۴۵۵. [۲۹] طه/۴۰. [۳۰] رجوع شود به کتاب روضه الشهداء، ملاحسین کاشفی، ص ۱۲۴. [۳۱] رجوع شود به کتاب روضه الشهداء، ملاحسین کاشفی، ص ۱۲۸. [۳۲] تحریم/۱۱. [۳۳] روضه الشهداء، تهران، اسلامی، صص ۱۲۳-۱۲۷. [۳۴] انبیاء/۹۰. [۳۵] آل عمران/۳۵. [۳۶] آل عمران/۳۷. [۳۷] آل عمران/۳۷. [۳۸] دهر/۷. [۳۹] فروع کافی، ج ۵، ص ۳۲۸. [۴۰] بقره/۱۸۷. [۴۱] لذات فلسفه، ترجمه‌ی دکتر عباس زریاب خوئی، تهران ۱۳۷۰، صص ۱۶۷-۱۷۰. [۴۲] احزاب/۲۹. [۴۳] ضحی/۸. [۴۴] تفسیر مواهب علیه (حسینی)، یک جلدی، چاپ لاهور، ص ۱۳۷۵. [۴۵] صحیح بخاری، کتاب ۶۳، باب ۱۰؛ صحیح مسلم، کتاب ۴۴، باب ۶۹؛ مسند احمد بن حنبل، اول، صص ۸۴ و ۱۱۶ و ۱۳۲ و ۱۴۳. [۴۶] صحیح بخاری، کتاب ۶۳، باب ۲۰ و کتاب ۷۸ باب ۲۳ و کتاب ۹۷ بابهای ۳۲ و ۳۵؛ سنن ترمذی، کتاب ۴۶، باب ۶۱؛ مسند احمد بن حنبل، اول، صص ۲۰۵ و ۳۱۶. [۴۷] سفینه البحار، ج ۱، ص ۱۴۰؛ صحیح بخاری ۷۲/۴ و ۵۶/۸۹ و ۱۶۳ و ۲۴/۶۴ و ۱۲۳/۶۷ و ۲۷/۷۶؛ صحیح مسلم، ۳۲/۱۰۱؛ سنن ترمذی، ۲۶/۳۴؛ مسند احمد بن حنبل، ۵/۳۳۰ و ۳۳۴. [۴۸] قصص/۲۵. [۴۹] قصص/۲۶. [۵۰] قصص/۲۶. [۵۱] کنز العمال، ج ۱۳، ص ۱۰۸؛ المراجعات، ص ۳۰۳؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۳۲. [۵۲] کشف الغمّه اربلی، ج ۲، ص ۶۷؛ التهذیب، ج ۱، ص ۴۶۹؛ الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۸؛ کنز العمال، ج ۲۸۹ و ۱۶؛ حلیه الاولیاء حافظ ابونعیم اصفهانی، ج ۲، ص ۴۳ و... [۵۳] فرقان/۵۴. [۵۴] رعد/۳۹. [۵۵] کشف الغمّه فی معرفه الائمه، علامه‌ی محقق اربلی، ج ۱، ص ۳۵۱. [۵۶] کشف الغمّه فی معرفه الائمه، ج ۱، ص ۳۵۲. [۵۷] مریم/۱۸. [۵۸] دهر/۷. [۵۹] تفسیر مواهب علیه یا تفسیر حسینی، یک جلدی، چاپ پاکستان، ص ۱۳۳۰ و تفسیر روح المعانی آلوسی، ج ۲۹، ص ۱۵۷. [۶۰] دهر/۸ و ۹. [۶۱] علی امام المتقین، عبدالرحمن الشرقاوی، ج ۱، ص ۳۷. [۶۲] علل الشرایع، ص ۳۶۱. [۶۳] دهر/۱۰. [۶۴] صحیح بخاری، ۶۹/۶ و ۷ و ۸۰/۱۱؛ صحیح مسلم ۴۴/۹۷ و ۹۹؛ جامع ترمذی، ۴۵/۶۷؛ طبقات ابن سعد، ۸/۱۶؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۸۰، ۹۵، ۱۰۵، ۱۲۳، ۱۳۶، ۱۴۶، ۱۵۳ و ج ۳، ص ۱۵۰ و ج ۶، ص ۲۹۸؛ مسند طرابلسی، حدیث ۹۳؛ علل الشرایع صدوق، ص ۳۶۶. [۶۵] وقایع الایام، کتاب الصیام، ص ۲۹۵. [۶۶] تفسیر روح المعانی، ج ۲۹، صص ۱۵۷ و ۱۵۸. [۶۷] بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۹۲ و ج ۱۰۰، ص ۲۵۰؛ مناقب ابن مغازلی، ص ۳۸۱؛ مقتل خوارزمی ص ۶۲. [۶۸] حجر/۵۱. [۶۹] هود/۷۱. [۷۰] هود/۶۹. [۷۱] هود/۷۱. [۷۲] مسند احمد بن حنبل، ج ۶، ص ۲۸۹؛ جامع ترمذی، ص ۳۴۰۹، سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۲۵؛ ذخائر العقبی طبرسی، صص ۵۱. [۷۳] امالی طوسی، ص ۱۹۰، وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۳۲۳. [۷۴] نفائس اللباب، ج ۳، ص ۱۲۴؛ وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۵۳۹؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۱۵؛ الخصال، ج ۲، ص ۸۳. [۷۵] مسند احمد بن حنبل، ج ۶، ص ۲۹۸؛ بحار الانوار، ج ۴۳، صص ۸۴ و ۸۵. [۷۶] بحار الانوار، ج ۴۳، صص ۸۴ و ۸۵ و ۱۳۴؛ کنز العمال، ج ۱۵، ص ۵۰۷؛ مسند احمد بن حنبل ج ۶، ص ۲۹۸. [۷۷] مسند احمد بن حنبل، ج ۳، ص ۱۵۰؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۷۶. [۷۸] بحار الانوار، ج ۸، ص ۳۰۳. [۷۹] بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۸۴. [۸۰] بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۸۵. [۸۱] صحیح بخاری، ج ۶۹، صص ۶ و ۷ و ج ۸، ص ۱۱؛ صحیح مسلم، ج ۴۴، صص ۹۷-۹۹.

[۸۲] بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۸۳. [۸۳] کشف الغمه، ج ۲، ص ۶۲. [۸۴] بحارالانوار، ج ۴۳، صص ۹۵ و ۱۱۴. [۸۵] اعراف / ۳۱. [۸۶] العروة الوثقی، صص ۲۰۱-۲۰۳. [۸۷] تحریر الوسیله امام خمینی، ج ۲، ص ۳۰۵. [۸۸] رساله‌ی نوین امام خمینی، ج ۳، ص ۱۱۲. [۸۹] بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۱۹۰ و ج ۴۳، ص ۳۰۹. [۹۰] کنز العمال، ج ۱، ص ۵۸۲. [۹۱] بحارالانوار، ج ۷۹، ص ۲۷. [۹۲] زخرف / ۸۹. [۹۳] زمر / ۳۷. [۹۴] اعراف / ۳۰. [۹۵] فصلت / ۴۴. [۹۶] آل عمران / ۹۷. [۹۷] ق / ۳۸. [۹۸] انبیاء / ۸. [۹۹] بقره / ۲۸۶. [۱۰۰] انبیاء / ۲۲. [۱۰۱] زخرف / ۱۲. [۱۰۲] ص / ۲۵. [۱۰۳] آل عمران / ۱۴۴. [۱۰۴] مریم / ۱۳. [۱۰۵] طه / ۱۱ و ۱۳. [۱۰۶] کهف / ۴۶. [۱۰۷] قصص / ۲۶. [۱۰۸] بقره / ۲۶۱. [۱۰۹] بحارالانوار، ج ۴۳، صص ۸۶ و ۸۷. [۱۱۰] علل الشرایع صدوق، ص ۱۷۹. [۱۱۱] بحارالانوار، ج ۲، ص ۸. [۱۱۲] بحارالانوار، ج ۲، ص ۳. [۱۱۳] ابن منظور: لسان العرب، چاپ دار احیاء التراث، ۱۴۰۸ ه، ج ۳، ص ۲۷۰. [۱۱۴] جمعه / ۲. [۱۱۵] مثنوی مولوی، دفتر اول، ۲۰۴۶-۲۰۶۵. [۱۱۶] زمر / ۲۳. [۱۱۷] سید قطب: تفسیر فی ظلال القرآن، ج ۱، ص ۸۲. [۱۱۸] وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۸۴۹. [۱۱۹] این خطبه در منابع بسیار از کتب شیعه و سنی آمده است از جمله: الشافی سیدمرتضی، ص ۲۳۱؛ کشف الغمّه‌ی اربلی، ج ۲، صص ۴۰-۵۲؛ شرح نهج البلاغه‌ی ابن ابی‌الحدید، ج ۱۶، ص ۲۳۶؛ تفسیر کشاف، ج ۱، در تفسیر آیه‌ی «ذی‌القربی»؛ سیره‌ی حلبی، ج ۳، ص ۳۹۰؛ صحیح مسلم، ج ۲، ص ۷۲؛ عقد الفرید، ج ۲، ص ۶؛ مسند احمد، ج ۱، ص ۶۰؛ میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۱۷۲؛ اسدالغابه‌ی ابن‌اثیر، ج ۲، ص ۵۲۲؛ وسائل الشیعه، ج ۱، صص ۱۳ و ۱۴. [۱۲۰] آل عمران / ۴۲. [۱۲۱] اشقیای نبی، ۸: ۳. [۱۲۲] سفر خروج، ۱۵: ۲۰. [۱۲۳] سفر داوران، ۵: ۱. [۱۲۴] کتاب اول سموئیل نبی، ۲: ۱. [۱۲۵] کتاب پادشاهان، ۲۲: ۱۴. [۱۲۶] کتاب لوقا، ۲: ۳۶. [۱۲۷] کتاب اشعیای نبی، ۲۱: ۹. [۱۲۸] سفر خروج، ۷: ۱. [۱۲۹] قاموس کتاب مقدس، ص ۸۷۳. [۱۳۰] آلوسی بغدادی: تفسیر روح المعانی، ج ۳، صص ۱۵۴-۱۵۶. [۱۳۱] ۲۶ / ۲ / ۵۸، به نقل از صحیفه‌ی نور، ج ۶، ص ۱۸۵. [۱۳۲] تحریم / ۱۲. [۱۳۳] مفردات الفاظ القرآن الکریم، ص ۴۲۸. [۱۳۴] تحریم / ۱۲. [۱۳۵] رجوع شود به جمع الجوامع، ج ۱، ص ۹۷۵؛ سفر الفردوس دیلمی، حدیث ۸۶۵۳؛ سیده‌ی نساء اهل الجنة، فاطمه‌ی الزهراء، علامه محمد عبدالرؤف بن علی بن زین‌العابدین المنادی، ریاض، مکتبه‌ی الساعی، ص ۶۸. [۱۳۶] مائده / ۷۵. [۱۳۷] المستدرک حاکم، ج ۳، صص ۱۶۰-۱۶۱. این روایت را ذهبی روایت صحیح خوانده و با آن موافقت کرده است. [۱۳۸] مریم / ۱۷-۱۹. [۱۳۹] اصول کافی، ج ۲، صص ۴۷۴ و ۴۷۵. [۱۴۰] از سخنان امام خمینی (ره) در تاریخ ۱۱ / ۱۲ / ۶۴. [۱۴۱] تفسیر روح المعانی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ ه، ج ۳، ص ۱۵۵. [۱۴۲] سنن ابی‌داود، ک ۴۰، باب ۱۴۳؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۳، صص ۱۶۴ و ۱۹۷. [۱۴۳] علل الشرایع صدوق، ص ۱۷۹. [۱۴۴] رجوع شود به تاریخ کبیر ابن‌عساکر، ج ۱، ص ۳۹۱ و تاریخ بغداد حافظ ابوبکر شافعی، ج ۱۳، ص ۳۳۱ و ینابیع المودّه‌ی قندوزی، ص ۲۶۰. [۱۴۵] ابن عربی سنی (متوفای ۵۶۰) در الفتوحات المکیه فاطمه (س) و سایر اهل‌بیت را مطهر و معصوم به نص می‌داند و از پیغمبر نقل می‌کند که در وجه تسمیه‌ی آن حضرت به فاطمه فرمودند: انّ الله قد فطمها و ذرّيتها من النار يوم القيامة (خداوند زهرا و ذریه‌اش را از آتش روز قیامت باز داشته است) (به نقل از کتاب الامام جعفر الصادق تألیف عبدالحلیم الجندی، چاپ قاهره، ۱۳۹۷ ه، ص ۷۲. [۱۴۶] رجوع شود به تفسیر ابوالفتوح رازی، ج ۹، ص ۱۵۲. در کتاب علی امام‌المتقین (ج ۱، ص ۲۲) آمده وقتی آیه‌ی تطهیر نازل شد، پیغمبر اکرم علی و فاطمه و حسن و حسین را فراخواند، بُرد خود را به روی آنان افکند و فرمود: پروردگارا، اینان اهل‌بیت منند. [۱۴۷] حدیث از بخاری ج ۷۹؛ ص ۴۲؛ صحیح مسلم، ج ۴۴، صص ۹۸ و ۹۹؛ طبقات ابن‌سعد، ج ۲، ص ۴۰ و ج ۸، ص ۱۷؛ اعلام‌النساء عمر رضا کحاله، ج ۴، ص ۱۲۵؛ بحارالانوار، ج ۴۳، صص ۲۵ و ۲۶؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۳، ص ۱۳۵؛ علی امام‌المتقین، ج ۱، ص ۳۶. همچنین رجوع شود به جمع الجوامع، ج ۱، ص ۹۷۴ و کتاب سیده‌ی نساء اهل الجنة علامه محمد عبدالرؤف بن علی بن زین‌العابدین المناوی (متوفای ۹۵۲ ه- ۱۰۳۶ ه) چاپ مکتبه‌ی ریاض، ص ۶۶. [۱۴۸] آل عمران / ۶۱. [۱۴۹] تفسیر مواهب علیه یا تفسیر حسینی، ج ۱، ص ۱۵۳. [۱۵۰] رجوع شود به ذیل فصّ شیشی در مباحث ولایت اثر عارف ربّانی آقا محمد رضا قمشه‌ای صهبا، چاپ ۱۳۵۹. [۱۵۱] از آیه‌ی الله محمد حسین غروی (کمپانی). [۱۵۲] روضه

الشهداء، صص ۱۳۵-۱۳۷. [۱۵۳] علامه سیدمرتضی عسکری: معالم المدرستین، ج ۱، صص ۱۲۴-۱۳۰. [۱۵۴] علامه سیدمرتضی عسکری: نقش ائمه در احیای دین، ج ۱۴، ص ۳۱. [۱۵۵] معالم المدرستین، ج ۱، ص ۱۳۰. [۱۵۶] شاید بعضی نتوانند به این سادگی این سخن را بپذیرند که مسلمانان با آن همه علاقه‌ای که به پیامبر اسلام داشتند به کلی آن همه احادیث را کنار بزنند. مگر اینها نبودند که در راه اسلام و پیشرفت این آیین آن همه فداکاری نمودند؟ چطور می‌توان باور کرد که بعد از پیغمبر اکرم (ص) گفته‌های او را اینچنین نادیده بگیرند؟ اتفاقاً این ایراد را بعضی از دانشمندان اهل سنت در کتابهای خود بر ما گرفته‌اند. ولی باید توجه داشت که اگر وضع آن زمان و آن محیط و طرز تفکر مردم آن عصر را در نظر بگیریم زیاد تعجب نخواهیم کرد، زیرا آنچه از مطالعه‌ی تاریخ اسلام به دست می‌آید این است که همه‌ی صحابه و یاران پیغمبر اکرم (ص) از آن دریچه‌ای که ما به پیغمبر اکرم (ص) نگاه می‌کنیم نگاه نمی‌کردند. ما او را فرستاده‌ی خدا می‌دانیم که هر چه می‌گوید وحی آسمانی است و غیرقابل تغییر، ولی در میان صحابه کسانی بودند که در برابر دستورها و سخنان پیغمبر (ص) از خود اظهار عقیده می‌کردند؛ یعنی عملاً خود را «مجتهد» می‌دانستند و عقیده داشتند با تغییر مقتضیات، مانعی ندارد که پاره‌ای از احکام اسلام را تغییر داد (آیه‌الله کاشف الغطاء: این است آیین ما، ص ۱۸۲. [۱۵۷] این است آیین ما، ترجمه و نگارش آیه‌الله ناصر مکارم شیرازی، تهران، کانون انتشار، ۱۳۴۶، صص ۱۸۶-۱۸۷. [۱۵۸] معجم البلدان، ماده‌ی فذک. [۱۵۹] دُر المنثور سیوطی، ج ۴، ص ۱۷۷. [۱۶۰] اسراء/ ۲۶. [۱۶۱] نمل/ ۱۶. [۱۶۲] مریم/ ۵. [۱۶۳] عبدالرحمن الشرقاوی: علی امام المتقین، ج ۱، صص ۶۹-۷۰. [۱۶۴] شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۷۸. [۱۶۵] کشف الغمّه‌ی اربلی، ج ۱، ص ۴۸۸. [۱۶۶] نهج البلاغه، نامه‌ی ۴۵. [۱۶۷] بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۴۸؛ احتجاج طبرسی، ج ۱، ص ۱۴۱؛ عوالم بحرانی، ص ۴۱۲؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۲۰۸. [۱۶۸] کشف الغمّه‌ی اربلی، ج ۱، ص ۴۹۲. [۱۶۹] این روایت را، هم صدوق (ابن بابویه) به طور مرفوع نقل کرده است و هم احمد بن حنبل، و این مانع از غسل آن حضرت بعد از رحلت نیست که مرحوم اربلی در کشف الغمّه (ج ۱، ص ۵۰۲) از آن تعجب کرده است. [۱۷۰] اقتباس از روضه الشهداء ملاحسین وعظ کاشفی، صص ۱۳۷-۱۴۴. [۱۷۱] کشف الغمّه، ج ۱، ص ۵۰۳. [۱۷۲] علامه محمد عبدالرؤف بن علی بن زین العابدین المناوی: سیدة نساء اهل الجنة، مکتبه القرآن، ص ۹۴. [۱۷۳] کشف الغمّه، ج ۱، ص ۵۰۴. [۱۷۴] کشف الغمّه، ج ۱، ص ۵۰۳. [۱۷۵] اصول کافی، ج ۲، ص ۴۷۹. [۱۷۶] بحارالانوار، ج ۴۸، ص ۱۴۴ به نقل از کتاب اخبار الخلفاء. [۱۷۷] دائرة المعارف فارسی مصاحب، ج ۲، ص ۱۷۱۵. [۱۷۸] دائرة المعارف الاسلامیه، ج ۱۱، صص ۱۶-۱۷. [۱۷۹] السیاحه فی الیمن، ص ۵۰. [۱۸۰] محمد کاظم محمدی: سیمای پاکستان، صص ۳۵-۳۸. [۱۸۱] توماس آرنولد: تاریخ گسترش اسلام، ص ۲۱۲. [۱۸۲] مجله‌ی مشکوه، شماره‌ی ۴۳، صص ۱۸۲-۱۸۵. [۱۸۳] رجوع شود به سید محسن امین: دائرة المعارف شیعه و استاد محمدجواد مغنیه: الشیعه فی المیزان، ص ۱۹۶. [۱۸۴] اسامی سادات مهاجران به سمرقند را به تفصیل در کتاب مهاجران آل ابوطالب ص ۲۵۹-۲۶۱ مطالعه کنید. [۱۸۵] مضمون نامه‌ی امام علی (ع) چنین بود: «فرمانداری برای تو وسیله‌ی آب و نان نیست بلکه امانتی است در گردن تو و تو نیز باید مطیع مافوق باشی. درباره‌ی رعیت حق نداری استبداد به خرج دهی. در مورد بیت‌المال به هیچ کاری جز با احتیاط اقدام مکن. اموال خدا در اختیار توست و تو یکی از خزانه‌داران او هستی که باید آن را به دست من بسیاری و امید است که من رئیس بدی برای تو نباشم. والسلام» (نهج البلاغه، نامه‌ی ۵). [۱۸۶] اسکندر دارم: یک میلیارد مسلمان، ج ۱، ص ۱۳. [۱۸۷] اسکندر دارم: یک میلیارد مسلمان، ج ۱: ص ۱۱. [۱۸۸] اقوام مسلمان اتحاد شوروی، ترجمه‌ی محمدحسین آریا، ص ۱۵۰ و اسلام در شوروی، ص ۸۶. [۱۸۹] عباس کیهان‌فر: «نگاهی به جمهوری مسلمان‌نشین آذربایجان»، مجله‌ی مشکوه، شماره‌ی ۴۱ ص ۸۹. [۱۹۰] عباس کیهان‌فر: «نگاهی به جمهوری مسلمان‌نشین آذربایجان»، مجله‌ی مشکوه، شماره‌ی ۹۵ ص ۹۶. [۱۹۱] بحارالانوار، ج ۴۸، ص ۱۴۴. [۱۹۲] آیه‌الله واعظ زاده: «جایگاه اهل بیت (ع) در جوامع اسلامی»، مجله‌ی مشکوه، شماره‌ی ۴۳، ص ۱۶. [۱۹۳] دائرة المعارف تشیع، ج ۲، ص ۸۹. [۱۹۴] مجله‌ی مشکوه، ش ۴۳، ص ۲۷. [۱۹۵] مجله‌ی مشکوه، ش ۴۳، ص ۲۷. [۱۹۶] ابواسحق ابراهیم

اصطخری: مسالك والممالك، ص ۸. [۱۹۷] دائرة المعارف تشیع، ج ۲، ص ۴۰. [۱۹۸] محمد جواد مغنیه: الشیعة فی المیزان، ص ۱۲۱. [۱۹۹] آیه الله واعظ زاده: «جایگاه اهل بیت (ع) در جوامع اسلامی»، مجله‌ی مشکوٰۃ، ج ۴۳، ص ۲۷. [۲۰۰] به نقل از کتاب علّموا اولادکم محبة آل بیت النبى (ص) دکتر محمد عبده یمانی، چاپ جده، ج ۷، صص ۳۶ و ۳۷. [۲۰۱] التفسیر الکبیر، ج ۳۲، ص ۱۲۴. [۲۰۲] مجمع البیان، ج ۶، ص ۲۵۲. [۲۰۳] سید محمد کاظم قزوینی: فاطمة الزهراء، صص ۷۷-۷۸. [۲۰۴] ملاحسین کاشفی: تفسیر حسینی، یک جلدی، ص ۱۳۸۹.